

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال سی ام، دوره جدید، شماره ۴۶، پیاپی ۱۳۶، تابستان ۱۳۹۹ / صفحات ۱۷۵-۱۴۳

مقاله علمی - پژوهشی

## خوانشی نو از علل تعلیق برنامه هفت‌ساله اول<sup>۱</sup>

علی شهوند<sup>۲</sup>

حبیب‌الله سعیدی‌نیا<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۹

### چکیده

تهیه برنامه عمرانی هفت‌ساله اول و اجرای آن با تصویب قانون «اجازه اجرای مقررات گزارش کمیسیون برنامه» مجلس شورای ملی در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ ش، آغازی برای کاربرد برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران بود. نخستین روزهای اجرای برنامه عمرانی اول همزمان شد با ملی شدن صنعت نفت که بحران‌های سیاسی و اقتصادی را در کشور به دنبال داشت. از آنجا که هدف اصلی برنامه هفت‌ساله اول، هدایت عایدات نفت در برنامه‌های عمرانی کشور بود، تأثیر مستقیمی بر برنامه هفت‌ساله اول داشت و یکی از مهم‌ترین علل رکود برنامه عمرانی اول محسوب می‌شد. علاوه بر ارزیابی موفقیت برنامه اقتصاد بدون نفت دولت مصدق، عایدات نفت تنها ۳۷/۱۴ درصد از منابع هزینه برنامه اول را تشکیل می‌داد. بدین ترتیب، تحقق سایر منابع هزینه برنامه اول می‌توانست مانع رکود این برنامه شود. بر همین اساس، این سؤال مطرح می‌شود که علاوه بر بحران ملی شدن صنعت نفت، چه عوامل دیگری در رکود برنامه اول تأثیرگذار بوده است؟ در پژوهش حاضر به روش تاریخی و با رویکرد تحلیلی-تبیینی، این فرضیه که قطع همکاری مبتکر اصلی برنامه‌ریزی در ایران و دخالت عوامل سیاسی در سازمان متولی امر برنامه‌ریزی موجب رکود برنامه اول شد، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که همکاری ابوالحسن ابتهاج با عوامل کودتای ۲۸ مرداد و عدول از نقش سازنده‌اش در نظام برنامه‌ریزی طی دوران نخست‌وزیری مصدق همچون سال‌های استقرار نظام برنامه‌ریزی در ایران و همچنین دخالت مؤلفه‌های سیاسی در امر برنامه‌ریزی، از عوامل مغفول مانده رکود برنامه عمرانی اول است.

**واژه‌های کلیدی:** برنامه هفت‌ساله اول، ملی شدن صنعت نفت، ابتهاج، سازمان برنامه،

دولت پهلوی

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2020.28630.2135

۲. دانش‌آموخته دکترای تاریخ ایران، دبیر تاریخ اداره کل آموزش و پرورش استان فارس - شهرستان بیضا

alishahvand@chmail.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس (نویسنده مسئول) saeedinia@pgu.ac.ir

#### مقدمه

تهیه و تصویب برنامه عمرانی هفت‌ساله اول نتیجه تلاش برای استفاده و کاربرد نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در ساختار دیوانسالاری ایران بود که پس از جنگ جهانی دوم با تلاش و پیگیری ابوالحسن ابتهاج به منصف ظهور رسید. نخستین سابقه برنامه‌ریزی توسعه در ایران، تنظیم یک برنامه عمرانی هفت‌ساله بود که علی زاهدی آن را در کتابی با عنوان *لنزوم پروگرام صنعتی* در سال ۱۳۱۱ش. طرح کرده بود (زاهدی، ۱۳۴۲: ۵۵). چندی بعد در سال ۱۳۱۶ش. تأسیس شورای اقتصاد با هدف طرح نقشه‌های اقتصادی و ارائه طریق در اجرای آن، نخستین اقدام جدی و عملی در راستای برنامه‌ریزی با تلاش ابوالحسن ابتهاج بود که به علت عدم اعتقاد رضاشاه به تمرکز کارهای عمرانی (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۳۰۴) توفیق چندانی نیافت. به دنبال تحولات سیاسی و اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم، تکاپو و اهتمام در راستای استقرار نظام برنامه‌ریزی در ایران که طی دوره نخست‌وزیری ساعد از سر گرفته شده بود، با نخست‌وزیری قوام در بهمن ۱۳۲۴ش. جدیتی دوچندان یافت. کوشش‌ها در این راستا پس از سه سال به تهیه و تصویب نخستین برنامه عمرانی کشور در سال ۱۳۲۷ش. منجر شد. چندی پس از اجرایی شدن این برنامه، بحران ملی شدن صنعت نفت و قطع عایدات نفتی، مشکلات اقتصادی دولت را به دنبال داشت. بسیاری از منابع و تحقیقات جدید مشکلات اقتصادی متعاقب ملی شدن صنعت نفت را عامل شکست برنامه هفت‌ساله اول دانسته‌اند. محمدرضا پهلوی ضمن توجه به ضعف تشکیلاتی سازمان برنامه طی برنامه عمرانی اول، عدم موفقیت این برنامه را به دلیل سیاست مصدق درباره نفت و به صفر رسیدن درآمد آن می‌دانست (پهلوی، [بی‌تا]: ۲۶۴-۲۶۵). خداداد فرمانفرمایان نیز وابستگی برنامه اول به درآمد نفت و بی‌پولی ناشی از بحران ملی شدن صنعت نفت را دلیل علمی نشدن این برنامه دانسته است (فرمانفرمایان، ۱۳۸۲: ۱۹۰). در همین راستا برخی تحقیقات جدید نیز قطع درآمد نفت و تحریم اقتصادی ایران را علت وقفه برنامه اول بیان کرده‌اند (افشاری، ۱۳۸۹: ۲۲۷). حال آنکه نظر به ارزیابی‌های موفق برنامه اقتصاد بدون نفت دولت مصدق، برنامه اول نیز نباید دچار وقفه و رکود می‌شد. علاوه بر این، براساس قانون برنامه هفت‌ساله اول تنها ۳۷/۱۴٪ منابع هزینه‌ای آن را عایدات نفت تشکیل می‌داد و تحقق سایر منابع این برنامه نه تنها می‌توانست مانع شکست شود، بلکه می‌توانست این برنامه را از رکود هم باز دارد. بنابراین رکود برنامه عمرانی اول، علاوه بر بحران ناشی از ملی شدن صنعت نفت، باید از عوامل دیگری نیز متأثر شده باشد که این پژوهش درصدد تبیین آن عوامل است.

نگارندگان پژوهش حاضر به روش تاریخی، با رویکرد تحلیلی-تبیینی و با تکیه بر اسناد و

منابع دست اول، با نظر به برنامه اقتصاد بدون نفت دولت مصدق و منابع هزینه‌ای برنامه اول، با طرح این سؤال که علاوه بر بحران ملی شدن صنعت نفت چه عوامل دیگری در رکود برنامه اول تأثیرگذار بوده است؟ به دنبال بررسی و تحلیل دلایلی دیگر برای رکود و نه شکست برنامه عمرانی اول بوده‌اند. در همین راستا فرضیه قطع همکاری مبتکر اصلی برنامه‌ریزی در ایران به دلیل همکاری با عوامل کودتا و دخالت عوامل سیاسی در سازمان متولی امر برنامه‌ریزی را که موجب رکود برنامه اول شده است، مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده‌اند.

بیشتر پژوهش‌هایی که نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌های عمرانی دوره پهلوی را بررسی کرده‌اند، بدون توجه به منابع هزینه‌ای برنامه هفت‌ساله اول و بدون ارزیابی سیاست اقتصاد بدون نفت دولت مصدق، بحران ملی شدن صنعت نفت و مشکلات اقتصادی پیامد آن را علت ناکامی و شکست برنامه هفت‌ساله اول دانسته‌اند که به برخی از آنها اشاره شد. در این پژوهش با بررسی منابع هزینه‌ای برنامه هفت‌ساله اول، علاوه بر توجه به قطع عایدات نفت و بحران اقتصادی دوران مورد بحث، دلایل دیگری برای رکود این برنامه معرفی شده که تاکنون در هیچ پژوهشی به صورت مستقل یا تلویحی مورد بررسی قرار نگرفته است.

### برنامه هفت‌ساله اول

اجرای برنامه هفت‌ساله اول با تصویب قانون «اجازه اجرای مقررات گزارش کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی» در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ش. (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پانزدهم قانونگذاری، ۱۳۲۹: ۲۳) و سپس تصویب قانون «اجازه اجرای موقت برنامه هفت‌ساله» در ۱۳ تیر ۱۳۲۸ش (همان، ۳۴) آغاز شد. هزینه برنامه اول در آغاز ۶۲ میلیارد ریال پیش‌بینی شده بود که از همان ابتدا مورد بازنگری قرار گرفته و به ۲۱ میلیارد ریال کاهش یافت. منابع مالی برنامه اول، نخست درآمد نفت بود که در سال اول ۴۰ درصد و شش سال بعد تمام عواید نفت می‌بایست به مصرف برنامه هفت‌ساله برسد؛ که به موجب ماده ۵ برنامه هفت‌ساله معین شده بود. ماده ششم گزارش کمیسیون برنامه استقراض از منابع مختلف را در راستای تأمین مالی برنامه هفت‌ساله پیش‌بینی کرده بود. بر این اساس، اگر دولت نمی‌توانست در اول هر سال وجوهی را که برای اجرای برنامه ضرورت دارد از وجوهی که در اختیار خود خواهد داشت تأمین کند، اولاً تا میزان چهارهزار و پانصد میلیون ریال در مدت هفت سال با بهره‌برداری دو در سال از بانک ملی ایران استقراض کند. مبلغ قرضه از بانک ملی در هیچ یک از سال‌های اجرای برنامه نباید از ۷۵۰ میلیون ریال تجاوز کند. این ماده از گزارش، دومین گزینه استقراض به منظور تأمین مالی برنامه اول را قرضه از بانک بین‌المللی در نظر گرفته بود و دولت را

مکلف کرده بود با بانک بین‌المللی وارد مذاکره شود و به منظور انجام عملیاتی که به صورت مستقیم مولد درآمد باشد، حداکثر دویست و پنجاه میلیون دلار با اقساط و شرایط مورد موافقت دو طرف وام دریافت نماید. البته قطعیت قرارداد در این باره منوط به تصویب مجلس شورای ملی شده بود (همان، ۲۹)، اما با وجود این طی برنامه هفت‌ساله اول ایران موفق به اخذ هیچ‌گونه وامی از بانک بین‌المللی نشد.

مقرر شده بود استفاده از اعتبارات بانک بین‌المللی از سال سوم اجرای برنامه یعنی از سال ۱۳۲۹ش آغاز شود. وام‌هایی که برای اجرای برنامه دریافت می‌شد، از محل درآمد ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس و فوایدی که اجرای نقشه هفت‌ساله خود تولید می‌کرد، مسترد می‌شد (روزنامه اطلاعات، سال ۲۲، شماره ۶۶۲۶، ص ۱). سومین گزینه استقراض برای تأمین مالی برنامه، تحصیل اعتبار از مؤسسات داخلی غیردولتی یا مؤسسات تجارته خارجی بود (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پانزدهم قانون‌گذاری، ۱۳۲۹: ۲۹). برنامه اول در سه سال نخست قرار بود که با استفاده از درآمدهای داخلی از قبیل عایدات ایران از نفت جنوب و قرضه از بانک ملی به اجرا گذاشته شود (روزنامه اطلاعات، سال ۲۲، شماره ۶۶۰۷، ص ۱).

در سال ۱۳۲۸ش. روزنامه اطلاعات به نقل از خبرگزاری رویتر، بنا به اظهار نماینده بانک بین‌المللی نوشته بود: «ایران برای اجرای برنامه هفت‌ساله خود دریافت وامی را از بانک بین‌المللی لازم نمی‌داند زیرا منابع طبیعی این کشور برای اجرای این برنامه کافی است» (روزنامه اطلاعات، سال ۲۳، شماره ۶۸۹۳، ص ۱). در همین تاریخ ابوالحسن ابتهاج مدیر کل بانک ملی ایران به جریان انداختن میزان بیشتری اسکناس و حق‌الامتیاز حاصله از شرکت نفت انگلیس و ایران را برای اجرای چنین برنامه‌ای کافی دانسته بود (همان). البته سجادی مدیر عامل وقت سازمان برنامه، یادآور شده بود که تا مرداد ۱۳۲۹ش. هنوز از استقراض داخلی و خارجی استفاده نشده است. وی گفته بود که اگر موفق نشویم از خارج کمک بگیریم، نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. او اظهار امیدواری کرده بود که از استقراض داخلی و خارجی نیز استفاده شود. البته سجادی نیاز به منابع داخلی را بیشتر به صورت ریالی و نیازهای خارجی را به صورت دستگاه و ماشین‌آلات دانسته بود (روزنامه اطلاعات، سال ۲۵، شماره ۷۲۹۳، ص ۵). به زعم برخی تحقیقات جدید، از آنجا که تفکر برنامه‌ریزی در ایران نه بر توسعه و تحول درون‌زا، بلکه بر پایه توسعه برون‌زا، ناشی از تقسیم کار جهانی جدید شکل یافته پس از جنگ جهانی دوم روی می‌دهد، از جامعیت و همه‌سونگری لازم در تخصیص بودجه‌ها و برنامه‌ریزی کشور برخوردار نبود (امیری، ۱۳۹۴: ۸۷).

### برنامه اقتصاد بدون نفت مصدق

ملی شدن صنعت نفت ایران و تلاش دولت بریتانیا برای حفظ منافع استعماری خود از صنعت نفت ایران، علاوه بر بحران‌های سیاسی، به صورت مستقیم اوضاع اقتصادی کشور را متأثر ساخت. برای سال ۱۳۳۰ بودجه‌ای تصویب نشد و پرداخت‌های دولت با تصویب یک‌دوازدهم انجام می‌گرفت (مدنی، [بی‌تا]: ۴۲۳/۱)، اما برنامه‌ای که در ابتدا دولت مصدق براساس آن تشکیل شد، در واقع برنامه اقتصاد با نفت بود. در سال ۱۳۳۰ش. یک میلیارد ریال عایدی نفت که در سال قبل جزو بودجه بود، حاصل نشد (رواسانی، [بی‌تا]: ۲۰۵)؛ به همین دلیل در اواخر این سال دولت عملاً از تحصیل درآمد از منبع نفت مأیوس شد و در پی تدوین بودجه کشور بدون عایدات نفت برآمد. دولت ملی دکتر مصدق با وجود مخالفت زمین‌داران و سرمایه‌داران بزرگ کوشید با اجرای برنامه اقتصاد بدون نفت گامی اساسی در به دست آوردن استقلال اقتصادی بردارد (همان، ۲۰۵). برنامه اقتصاد بدون نفت اهدافی چون صرفه‌جویی کامل در تمام اقلام هزینه دولت؛ خودکفایی صنعتی و تهیه اجناس مورد نیاز در داخل کشور؛ و توسعه صادرات و پیدا کردن بازارهای جدید برای فروش محصولات ایران‌پرا دنبال می‌کرد (انصاری، ۱۳۹۳: ۷۲). البته به زعم بسیاری اصلاحات دوره مصدق عمدتاً سیاسی بود و آنان حتی بدون توجه به ابعاد اقتصادی ملی شدن صنعت نفت، آن را یک مسئله سیاسی می‌دانستند (شیخ‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۸)، اما در این دوره مصدق به منظور اجرای سیاست اقتصاد بدون نفت، برای تعدیل و توازن بودجه در اقلام آن تجدیدنظر کرد، قوانین مالیاتی را به منظور افزایش درآمد دولت بازنگری کرد، اعتبارات کافی به کارهای تولیدی اختصاص داد، به منظور کاهش هزینه در سازمان‌های اداری تغییراتی به وجود آورد، مقرراتی را که مانع از فعالیت‌های اقتصادی افراد بود لغو کرد و برنامه‌ای برای استفاده بخشی از نیروی انسانی و وسایل شرکت ملی نفت در امور تولیدی تنظیم کرد (روحانی، ۱۳۵۲: ۳۸۸).

در خلال این دوران، دولت که به لحاظ تأمین منابع ارزی در تنگنا قرار گرفته بود، کسری ارزی و ریالی خود را نخست با کاهش پشتوانه اسکناس جبران کرد. در مورخه ۶ مرداد ۱۳۳۰ مجلس به هیئت نظارت اندوخته اسکناس اجازه داد معادل چهارده میلیون لیره از ارزش‌های حساب پشتوانه را برای احتیاجات عمومی و ضروری کشور در اختیار دولت قرار دهد. دولت نیز موظف بود حداکثر طی مدت یک سال از محل درآمدهای ارزی و شرکت ملی نفت ایران، این مبلغ را به حساب اندوخته اسکناس مسترد دارد (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره شانزدهم قانونگذاری، ۱۳۳۳: ۸). نقصان این مبلغ به موجب قانون ۲۱ مرداد ۱۳۳۰ش. به عنوان تعهد ارزی دولت در ترازنامه بانک ملی قید شد (روحانی، ۱۳۵۲: ۳۸۲). با وجود

ممانعت انگلیس از تبدیل این بخش از موجودی کشور به ریال (مدنی، [بی‌تا]: ۴۲۴/۱)، دولت از این محل .../۱۲۶/۴۲۰ تومان از بانک ملی دریافت کرد (مصدق، [بی‌تا]: ۲۳۶). دولت این مبلغ را برای وارد کردن کالاهای ضروری و احتیاجات سازمان برنامه مورد استفاده قرار داد. با وجود مصارف بسیار ضروری دیگر، دولت مصدق یکصد میلیون ریال از این محل را از طریق بانک کشاورزی منحصرأً برای مصرف وام‌های کشاورزی اختصاص داد و پانصد میلیون ریال دیگر را برای اجرای برنامه هفت‌ساله در شهرستان‌ها به سازمان برنامه پرداخت که بخشی از آن صرف کارهای عمرانی در روستاها شد (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۹۸۸).

همچنین از طریق نشر اسکناس بدون پشتوانه بود که در سال ۱۳۳۱ ش. به موجب لوایح قانونی در دو نوبت حجم اسکناس منتشر شده به ۱۰۹۲۰ میلیون ریال بالغ شد و بر تعهد سابق دولت که از چند سال قبل به وثیقه جواهرات سلطنتی در ترازنامه بانک ملی ایران منعکس می‌شد، افزوده شد (روحانی، ۱۳۵۲: ۳۸۳). البته مصدق این اقدام را به منظور جلوگیری از تورم و همچنین سابقه مخالفت مجلس با چنین اقدامی در زمان نخست‌وزیری رزم‌آرا، پنهان نگاه داشت (عظیمی، ۱۳۷۲: ۴۴۳). مصدق همچنین به منظور جبران کسری بودجه دولت، در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۳۰ ش. از مجلس اجازه انتشار دو میلیارد ریال اوراق قرضه را برای مدت دو سال دریافت کرد که مقرر شده بود در چهار ردیف پانصد میلیون ریالی منتشر شود (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره شانزدهم قانونگذاری، ۱۳۳۳: ۹) که فقط ردیف اول آن در اول دی (ساکما، سند شناسه ۲۴۰/۴۰۸۲۶: برگ ۱؛ همان، سند شناسه ۲۹۶/۲۳۸۹۱: برگ ۱) منتشر و با وجود عدم استقبال ثروتمندان (عظیمی، ۱۳۷۲: ۳۸۳) و تحریم خرید این اوراق از سوی حزب توده برای هوادارن خود (خامه‌ای، ۱۳۶۹: ۱۰۰)، با اعلام آمادگی بسیاری از مردم برای خرید این اوراق (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۲۳۲: برگ ۲)، قسمت عمده آن به فروش رفت (روحانی، ۱۳۵۲: ۳۹۱).

با وجود آنکه بحران اقتصادی اساسی‌ترین انتقاد وارده به مصدق به‌خصوص از سوی مخالفان وی بود (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۹۷۱)، برخی مانند انور خامه‌ای معتقدند که واقعیت کاملاً خلاف این است و در زمان مصدق نه تنها وضع اقتصادی ایران بدتر نشد و بحران اقتصادی که پس از جنگ جهانی دامن‌گیر ایران شده بود وخیم‌تر نشد، بلکه برعکس اقتصاد ایران بر پایه محکم‌تری استوار شد، وابستگی به خارج به صورت چشمگیری کاهش یافت، میان بخش‌های مختلف اقتصاد تعادل به وجود آمد، هزینه زندگی مردم افزایش غیرطبیعی نداشت و نرخ تورم نیز نسبت به قبل از حکومت مصدق و حتی بعد از آن کمتر بود و در صورت استمرار حکومت مصدق، اثرات این تحول خیلی بیشتر و عمیق‌تر نمایان می‌شد (همان، ۹۷۲).

احمد آرامش نیز از طرفداران بهتر شدن اوضاع اقتصادی کشور طی دوران حکومت مصدق بوده است. وی یادآور شده است که در این زمان هفتاد هزار تن پنبه توسط بازرگانان ایرانی و به وسیله شرکت لوانت اکسپرس<sup>۱</sup> صادر شد که در صورت تداوم حکومت مصدق، این صادرات می‌توانست به چند برابر افزایش یابد و ارزش حاصل از کالاهای صادراتی ایران را از ارزش ناشی از درآمد نفت بی‌نیاز کند. با این تحلیل، احمد آرامش به مبنای صحیح تر اقتصاد بدون نفت که توسط مهندس حسینی ارائه شده بود، اشاره کرده که می‌توانست بحران مصنوعی را که قطع موقتی جریان نفت در دوران خلجید به وجود آورده و یا ضمن حوادث آینده به وجود می‌آمد، برطرف کند (آرامش، ۱۳۶۹: ۲۲۵-۲۲۶). مصدق نیز در اواخر محاکمه‌اش پس از کودتای ۲۸ مرداد، یکی از دلایل سقوط دولتش را بهبودی وضع اقتصادی ایران و توانایی اداره دولت بدون درآمد نفت دانسته بود که موجب اقدام مخالفان علیه دولت او شده بود (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۲۷۴). با وجود فشارهای فوق‌العاده‌ای که بر دولت مصدق وارد می‌آمد، دستاوردهای او در سال آخر حکومتش نمود پیدا کرد. طرح‌های آبیاری در سراسر کشور، برنامه‌هایی برای بهبود کشاورزی، احداث کارخانه‌های جدید و حتی افزایش تولید صنعتی و کوشش‌هایی برای تغییرات نهادی از این دستاوردها بودند (آوری، ۱۳۹۲: ۷۰).

#### دلایل مغفول مانده رکود برنامه هفت‌ساله اول

بیشتر منابع و تحقیقاتی که برنامه هفت‌ساله اول را بررسی کرده و یا به آن اشاره کرده‌اند، بحران‌های سیاسی و اقتصادی پس از ملی شدن صنعت نفت و قطع درآمد نفت را علت تعلیق این برنامه دانسته‌اند، اما همان‌طور که اشاره شد به زعم بسیاری از منابع سیاست اقتصاد بدون نفت مصدق نه تنها شکست نخورد، بلکه در اداره کشور موفق هم بود.<sup>۲</sup> مصدق در خاطرات خود نوشته است: «دولت توانست متجاوز از دو سال بدون کمک خارجی و عوائد نفت و پرداخت بودجه شرکت ملی نفت که آن هم سربار بودجه دولت شده بود مملکت را اداره کند و سازمان برنامه هم تمام وظایف خود را انجام دهد» (مصدق، [بی‌تا]: ۲۳۶). اسناد موجود نیز که حاوی گزارشی از خلاصه عملیات انجام شده سازمان برنامه از بدو تأسیس تا تاریخ انتصاب ابتهاج به مدیر عاملی سازمان برنامه است، درستی ادعای مصدق را تأیید می‌کنند (ساکما، سند شناسه ۲۲۰/۱۱۳۹۰). همچنین به گواهی اسناد، مصدق با استفاده از اختیارات

#### 1. Levant Express

۲. برای مطالعه بهبود شاخص‌های اقتصادی همچون قیمت‌ها، بازرگانی خارجی، کشاورزی، سرمایه‌گذاری، مسکن، کارهای زیربنایی، حمل و نقل و بیلان مالی دولت مصدق رک به: (خامه‌ای، ۱۳۶۹: صص ۱۷۵-۱۱۱؛ رزاقی، ۱۳۹۲: ۱۹)

مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ش. و به موجب ماده ۲ قانون برنامه هفت‌ساله، دو لایحه قانونی را در شهریور و آبان ۱۳۳۱ش. برای اجرای برنامه‌های عمرانی به تصویب رسانده بود. این قوانین تأسیس کارخانه‌های قند و شکر، نساجی و توسعه ماشین‌آلات کشاورزی و آبیاری را شامل می‌شد (ساکما، سند شناسه ۲۲۰/۳۹۲۰: برگ ۱۴۳). بنابراین علاوه بر بحران ملی شدن صنعت نفت و قطع عایدات نفتی، تعلیق برنامه هفت‌ساله اول دلایل دیگری نیز داشته است. نگاهی به منابع هزینه برنامه اول نشان می‌دهد که ۳۷/۱۴٪ منابع هزینه برنامه را عایدات نفت تشکیل می‌داد که بحران نفت موجب قطع آن شده بود. تحقق سایر منابع هزینه برنامه به شرح ذیل می‌توانست به اجرای برنامه کمک کند.

#### منابع هزینه برنامه اول

درصد	میزان تأمین هزینه	شرح منبع
۳۷/۱۴٪	۷۸۰۰ میلیون ریال	از محل پرداخت‌های شرکت نفت ایران و انگلیس
۲۱/۵٪	۴۵۰۰ میلیون ریال	از محل تحصیل اعتبار از بانک ملی
۴/۷۷٪	۱۰۰۰ میلیون ریال	از محل فروش دارایی‌های دولتی
۴/۷۷٪	۱۰۰۰ میلیون ریال	از محل مشارکت‌های خصوصی
۳۱/۹۱٪	۶۷۰۰ میلیون ریال	از محل دریافت وام از بانک بین‌المللی

همان‌گونه که اشاره شد، استفاده از منابع پشتوانه اسکناس از راه‌هایی بود که دولت مصدق در تأمین کسری منابع ارزی و ریالی خود از آن بهره گرفت. تجدید نظر در قوانین پولی ایران به منظور کاهش پشتوانه اسکناس، در گزارش مشرف نفیسی برای تأمین هزینه برنامه از طریق بانک ملی توجیه شده بود. مشرف نفیسی در این گزارش ضمن اشاره به کاهش پشتوانه اسکناس در کشورهای ثروتمند از ۴۰٪ به ۲۵٪، پیش‌بینی کرده بود که بانک ملی می‌تواند از این طریق معادل ۴۵۰۰ میلیون ریال از هزینه‌های برنامه را تأمین کند (گزارش آقای دکتر مشرف نفیسی راجع به برنامه هفت‌ساله مورخه ۱۰ آذر ۱۳۲۶، ۱۳۲۶: ۱۱-۱۰). البته گفتنی است پس از کودتای ۲۸ مرداد، هیئت «نظارت اندوخته اسکناس» مطالعاتی درباره تغییر نرخ پشتوانه اسکناس انجام داد و انتشار اسکناس برای اجرای طرح‌های عمرانی را ضروری تشخیص داد (روزنامه اطلاعات، سال ۲۹، شماره ۸۵۶۶، ص ۱)؛ امری که پیش از این مصدق نیز به ضرورت آن توجه کرده بود.



مشرف نفیسی به ضرورت تعمیر و تشکیل کارخانجات دولتی به منظور فروش به بخش خصوصی در دو سال اول برنامه اشاره کرده و برآورد کرده بود که از محل فروش سهام این کارخانجات در پنج سال آخر برنامه معادل ۱۰۰۰ میلیارد ریال از هزینه‌های سازمان برنامه تأمین شود و سرمایه حاصل از این محل به بانک صنعتی - که به گفته نفیسی «امروز از بانک جز اسمی ندارد و در واقع شیر بی‌بال و دم و اشکمی است» - واگذار شود تا براساس نظر سازمان برنامه به مصرف وام‌های صنعتی و کمک به ایجاد صنایع جدید برسد (گزارش آقای دکتر مشرف نفیسی راجع به برنامه هفت‌ساله مورخه ۱۰ آذر ۱۳۲۶، ۱۳۲۶: ۱۲). مشارکت بخش خصوصی نیز در برنامه اول پیش‌بینی و میزان مشارکت آن برآورد شده بود.

#### الف. عدم امکان استفاده از تسهیلات خارجی

آنچه که بیشتر از موارد بالا در تأمین هزینه برنامه اول حائز اهمیت بود، استفاده از تسهیلات بانک بین‌المللی در تأمین این هزینه‌ها بود. یک سوم هزینه‌های برنامه اول - حدود ۳۱/۹۱٪ آن - از قرضه بانک بین‌المللی باید تأمین می‌شد. در برنامه هفت‌ساله اول، استفاده از اعتبارات بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، از سال سوم اجرای نقشه یعنی ۱۳۲۹ ش. مد نظر قرار گرفته بود (روزنامه اطلاعات، سال ۲۲، شماره ۶۶۲۶، ص ۱). ابتهاج بعدها که برنامه نهایی تنظیم شد، در فروردین ۱۳۲۸ / مارس ۱۹۴۹ یکی از معاونان بانک بین‌المللی را که به ایران آمده بود، متقاعد کرد ایران برای چندین سال احتیاج به أخذ وام ندارد (گود، ۱۳۷۲: ۱۱۶). بحران نفت و تحریم اقتصادی متعاقب آن، همان‌طور که اشاره شد بر روابط ایران و آمریکا نیز تأثیر گذاشت. از آنجا که مدیریت بانک بین‌المللی همواره برعهده یک آمریکایی بود و ایالات متحده اکثریت سهام بانک را داشت (بانک ملی ایران، ۱۳۲۷، ۹۲)، این کشور بیش از یک‌چهارم مجموع آرا را نیز در اختیار داشت. بر همین اساس، تصمیمات عمده بانک موقوف به تصویب وزارت امور خارجه آمریکا بود (ترابی، ۱۳۷۹: ۱۳۲). همچنین تمام وام‌های پرداختی بانک باید به تأیید عمومی در ایالات متحده آمریکا می‌رسید (بوستاک و جونز، ۱۳۹۵: ۱۶۳). بدین ترتیب بحران نفت أخذ وام را نیز با مشکل مواجه کرده بود.

روزنامه اطلاعات پس از کودتای ۲۸ مرداد نوشته بود: چون بانک بین‌المللی در نظر داشت نفت ایران را برای وثیقه وام بردارد و با توجه به بحران نفت و عدم این امکان، بانک از پرداخت وام به ایران امتناع کرد. به نظر علت بیان شده در روزنامه اطلاعات صحیح نیست، زیرا اولاً تا پیش از ملی شدن صنعت نفت که بحث أخذ وام نیز مطرح بود، به علت امتیاز نفت که در اختیار انگلیسی‌ها بود، عملاً وثیقه گذاشتن نفت را با مشکل مواجه می‌کرد؛ زیرا باز

شدن پای یک رقیب برای انگلیس در نفت ایران منافع آنها را تهدید می‌کرد و از طرفی، ابتهاج نیز در مصاحبه با روزنامه‌ها گفته بود بانک برای اعطای وام وثیقه نمی‌خواهد (بانک ملی ایران، ۱۳۲۷: ۹۳).

در این میان، ابتهاج که سال‌ها پیش از دوران رضاشاه در روند شکل‌گیری و استقرار نظام برنامه‌ریزی در ایران نقش فعالی داشت و تمام امور مربوط به برنامه‌ریزی را به‌خصوص پس از عصر رضاشاه، از نخست‌وزیری قوام تا تصویب برنامه هفت‌ساله اول برعهده داشت، در این شرایط بحرانی به یکباره از همراهی و کمک به نظام برنامه‌ریزی ایران خودداری کرد. با وجود آنکه طی این دوران ابتهاج در ابتدا به عنوان مشاور مدیر عامل بانک بین‌المللی و سپس رئیس اداره خاورمیانه در این بانک مشغول بود (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۲۷۲)، اما هیچ کمکی به دولت مصدق در راستای دریافت وام پیش‌بینی شده در برنامه اول نکرد؛ درحالی‌که بعدها در دوره ریاستش بر سازمان برنامه، در این راستا تلاش بسیاری کرد (روزنامه اطلاعات، سال ۳۱، شماره ۹۱۲۶، ص ۱). البته در نخستین روزهای تدوین برنامه اول، تلاش برای دریافت وام از مؤسسات بین‌المللی به پیشنهاد ابتهاج صورت گرفته بود (پروژه تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد، ۱۹۸۲: ۴/۴۹۴). توصیه ابتهاج برای گرفتن وام به منظور اجرای برنامه‌ای که هنوز به تصویب نهایی نهادهای ذی‌صلاح کشور نرسیده و اساساً ساختار برنامه‌ریزی هنوز شکل منظم و قابل اعتمادی به خود نگرفته بود و از طرفی، لزوم تصویب اخذ وام از یک مؤسسه خارجی توسط مجلس شورای ملی، علاوه بر آنکه ضرورت دریافت وام را توجیه نمی‌کرد، بلکه پیشبرد و اجرای برنامه را به عنوان هدف توصیه‌کننده از چنین پیشنهادی با تردید مواجه می‌کرد. به نظر می‌رسد ابتهاج از همان ابتدا با توصیه به اخذ وام، زمینه‌سازی برای ورود آمریکایی‌ها در شکل‌دهی به نظام برنامه‌ریزی در ایران را دنبال می‌کرد؛ چنان‌که بعدها موضوع استخدام متخصصان خارجی، از چالش‌های ابتهاج در دوران مدیریتش بر سازمان برنامه بود (مجیدی، ۱۳۸۱: ۷۱-۷۳). از سوی دیگر، پیترو آوری ابوالحسن ابتهاج را یکی از عوامل شناخته شده آمریکا در ایران می‌دانست که همواره در تلاش بوده تا زمینه گسترش منافع اقتصادی آن دولت را در ایران فراهم کند. او نوشته است: «وی [ابتهاج] در برنامه‌ریزی خود سعی داشت تا پای سرمایه‌گذاران آمریکایی را بیشتر باز نماید و اداره صنایع و طرح‌های اصلی را به دست آنها بسپارد» (آوری، ۱۳۶۸: ۱۰).

البته به نظر در این زمان منابع ارزی و ریالی کشور تکافوی برنامه وسیع تنظیم شده را نمی‌کرد، اما برای شروع، کشور را از وام بی‌نیاز می‌کرد؛ زیرا در این هنگام به علت عدم برآورد دقیق هزینه‌های برنامه‌ای که هنوز نهایی نشده و نیازمند بازنگری بود، ضرورت اخذ وام برای

اجرای آن توجیه‌ناپذیر بود. درحالی‌که ابتهاج در بهمن ۱۳۲۵ ش. پس از عقد قرارداد با موريسون نودسن،<sup>۱</sup> از لزوم دقت و صحت طرح‌ها برای دستیابی به نتیجه مطلوب سخن گفته بود (بانک ملی ایران، ۱۳۲۷: ۳۰)، آقای دان<sup>۲</sup> نائب رئیس شرکت موريسون نودسن در قسمت کارهای خارج از آمریکا، در مقدمه برنامه پیشنهادی این شرکت نوشته است: «دولت ایران در مذاکرات خود با ما سعی قطعی نکرده است که میزان قطعی کل مبلغی را که برای برنامه توسعه و عمران در نظر است معلوم یا میزان مخارج سالیانه را مشخص نماید و این‌طور اظهار نظر شده که درجه تمکن اقتصاد ملی در نظر گرفته شود» (گزارش موريسون نودسن، ۱۹۴۷: ۵). ابتهاج نیز بعدها که برنامه نهایی تنظیم شد، در فروردین ۱۳۲۸ / مارس ۱۹۴۹ یکی از معاونان بانک بین‌المللی را که به ایران آمده بود، متقاعد کرد ایران برای چندین سال احتیاج به اخذ وام ندارد (گود، ۱۳۷۲: ۱۱۶). عملکرد برنامه اول نیز نشانگر عدم اعطای وام از سوی بانک جهانی و همچنین تأمین بخش کوچکی از وام پیش‌بینی شده توسط بانک ملی است (نیلی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

#### ب. پیوستن مبتکر برنامه‌ریزی در ایران به عوامل کودتا و عدم همکاری‌اش با دولت

##### مصدق

ابتهاج که پس از نخست‌وزیری رزم‌آرا از سمت ریاست بانک ملی برکنار شده بود، به عنوان سفیر ایران به پاریس رفت و در اوایل حکومت مصدق همچنان سفیر ایران در فرانسه بود. هوشنگ مهدوی که در این زمان دانشجوی دوره دکتری در پاریس بود، نوشته است ابتهاج و فریدون هویدا وابسته مطبوعاتی سفارت، روابط دوستانه‌ای با دانشجویان توده‌ای برقرار کرده بودند و هیئت مدیره جامعه دانشجویان را به حضور پذیرفته و کمک مالی قابل توجهی در اختیار آنان گذاشته بود. دانشجویان توده‌ای در اسفند ۱۳۳۰ ش. جشن نوروزی را با ریاست عالیہ ابتهاج تشکیل داده بودند. هزینه این جشن را «سریس گلبنکیان» معروف به آقای پنج درصد و دامادش رمان عیسایان و پرنس علی‌خان تأمین کرده بودند. اشرف پهلوی نیز که در فرانسه بود، با خرید بلیط همت عالی به این مراسم کمک کرده بود. بدین ترتیب به قول هوشنگ مهدوی توده- نفتی‌ها بر ضد حکومت دکتر مصدق همدست شده بودند و ابتهاج نیز در این زمان به این اتحاد پیوسته بود که با تهدید هوشنگ مهدوی مبنی بر ارسال گزارش به مجله «تهران مصور»، از ادامه همکاری با آنها خودداری کرد. البته ابتهاج خود به نقش شهربانی پاریس در لغو این جشن اشاره کرده و از تهدید هوشنگ مهدوی سخن نگفته است؛ امری که

1. Morrison-Knudsen  
2. G. F. Dunn

در نهایت موجب تجمع دانشجویان توده‌ای و شعار علیه ابتهاج شده بود. در پی این حادثه، پس از مدت کوتاهی از سفارت برکنار و جهت همکاری با بانک بین‌المللی راهی آمریکا شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۵: ۴۷-۴۹). به نظر می‌رسد روابط نزدیک ابتهاج و اشرف و همچنین شاه سبب شده بود تا ابتهاج در زمره مخالفان دولت مصدق درآید.

از آنجا که نقش بسیار فعال ابتهاج در استقرار نظام برنامه‌ریزی و شکل‌گیری سازمان برنامه از دوران رضاشاه تا تصویب برنامه هفت‌ساله قابل انکار نیست، موضع وی در قبال ملی شدن صنعت نفت و به تبع آن دولت مصدق حائز اهمیت دوچندان است؛ زیرا مخالفت ابتهاج با دولت مصدق می‌تواند یکی از دلایل اصلی رکود فعالیت‌های سازمان برنامه طی حکومت مصدق باشد. با وجود آنکه او خود را موافق ملی شدن نفت و اقدامات دکتر مصدق جلوه می‌داد (ابتهاج، ۱۳۷۲: ۲۹۰)، اما شواهد حاکی از مخالفت او با مصدق و قرار گرفتن در جبهه مخالفان مصدق است. چنان‌که وی در مصاحبه با حبیب لاجوردی گفته است سیاست اقتصاد بدون نفت را نمی‌پسندید (پروژه تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد، ۱۹۸۲: ۴۹۶). با وجود برخی تحقیقات جدید که البته در پژوهش خود از تقریرات شخص ابتهاج نیز کمک گرفته‌اند، ابتهاج از عملیات مأموران CIA در ایران یعنی «آلن دالس»<sup>۱</sup> و «کرمیت روزولت»<sup>۲</sup> که یکی از گزارش‌نویسان پیشین مشاوران ماوراء بحار بود و هر دو در زمان کودتا در تهران حضور داشتند، آگاه بود. البته نویسندگان در ادعایی دور از ذهن یادآور می‌شوند که ابتهاج از کودتا آگاهی نداشته است (بوستاک و جونز، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

ابتهاج در خاطرات خود علت بازگشت به ایران را چنین نوشته است: «با کودتای سال ۱۳۳۲ و با عقد قرارداد نفت و روشن شدن میزان درآمد سالیانه ایران از محل آن و با توجه به این فکر که عقیده داشتم درآمد نفت باید صرف عمرانی کشور شود و نباید آن را برای هزینه‌های جاری مملکت به کار برد، تصمیم قاطع گرفتم که به ایران بازگردم و تمام هم خود را صرف این کنم که درآمدهای حاصل از فروش نفت تلف نشود» (ابتهاج، ۱۳۷۲: ۳۳۳). این در حالی است که نویسندگان کتاب *برنامه‌ریزی و قدرت در ایران* علاوه بر اینکه از تصمیم بازگشت ابتهاج در دورانی که آیزنهاور و چرچیل مصمم به سرنگونی مصدق با کودتا شده بودند - یعنی اواخر سال ۱۳۳۱ش - سخن گفتند که خود شائبه همکاری با عوامل کودتا را به ذهن متبادر می‌کند، آنها نوشته‌اند که ابتهاج هیچ ایده‌ای در این مورد که پس از بازگشت چه کاری باید انجام دهد نداشت (بوستاک و جونز، ۱۳۹۵: ۱۷۴). همچنین درحالی‌که به گواهی جراید، ابتهاج در بهمن ۱۳۳۲ش. کاندیدای نمایندگی مجلس سنا از رشت بود (روزنامه

---

1. Allen Foster Dalles  
2. Kermit Roosvelt

اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۳۰۱، ص ۱) که خود نیز مؤید این ادعا بوده است، برخی درباره پیشنهاد سفیر آمریکا به شاه و نخست‌وزیر کودتا فضل‌الله زاهدی، درباره اهمیت بازگشت ابتهاج برای کمک به سر و سامان دادن اوضاع مالی کشور سخن گفته‌اند (بوستاک و جونز، ۱۳۹۵: ۱۷۴). بها وجود توصیه سفیر آمریکا، انتصاب ابتهاج به ریاست سازمان برنامه در این زمان، خود یکی از علل تشتت در کابینه زاهدی و اختلاف شاه با زاهدی بیان شده است؛ زیرا با وجود ادعای ابتهاج (ابتهاج، ۱۳۷۲: ۳۳۴) زاهدی با انتصاب ابتهاج به ریاست سازمان برنامه مخالف بوده است (اتحادیه، ۱۳۹۰: ۲۸۲) و در نهایت زاهدی در عین حال که همچنان به مخالفت با ابتهاج ادامه می‌داد، با اکراه به خواست شاه تن در داده بود. با این حال، ناسازگاری‌های این دو در بسیاری از برنامه‌های دولت خلل ایجاد کرده بود (میلانی، ۱۳۹۲: ۲۴۴-۲۴۵). بعدها همین اختلاف و ناسازگاری زاهدی و ابتهاج یکی از دلایل برکناری زاهدی از نخست‌وزیری شده بود (همان، ۲۵۰). از آنجا که براساس نص صریح قانون، مدیر عامل سازمان باید به پیشنهاد هیئت دولت و فرمان شاه منصوب می‌شد، اختلاف نظر شاه و زاهدی در این باره یک بار دیگر انگیزه‌ای را که ابتهاج برای بازگشت خود در خاطراتش بیان کرده، به چالش می‌کشد.

پیتر آوری ایستادگی ابتهاج در مقابل مصدق، نفوذ زیاد ابتهاج در خارجیان و همچنین اعتماد سردمداران پولی بالقوه ایران را از دلایل شاه برای انتصاب ابتهاج به عنوان مدیر عامل سازمان برنامه برشمرده است (آوری، ۱۳۶۸: ۵۰/۳). البته آوری از نقش سرمایه‌داران و صاحبان قدرت اقتصادی که عموماً متمایل به غرب بودند و از طریق قراردادهای سازمان برنامه با غرب صاحب ثروت و قدرت سیاسی می‌شدند نیز صحبت کرده است که در آغاز با ابتهاج همراه بودند (همان، ۴۸-۴۹). بر همین اساس، در پی هم‌رأیی کشورهای غربی و شاه در گسترش و سازماندهی مجدد فعالیت‌های سازمان برنامه، ایالات متحده نیز با کمک مالی به سازمان برنامه تا وصول عواید نفتی موافقت کرده بود. در آبان ۱۳۳۳/ نوامبر ۱۹۴۵ آمریکا از اعطای ۱۲۴ میلیون دلار وام برای اجرای فعالیت‌های سازمان برنامه با نظارت ابتهاج خبر داده بود (همان، ۴۸).

از سوی دیگر، با وجود آنکه ابتهاج علت بازگشت خود را ممانعت از صرف درآمد نفت در هزینه‌های جاری مملکت و تلف شدن این درآمدها بیان کرده، پس از انتصاب به ریاست سازمان برنامه در مصاحبه‌ای خبری گفته بود: «بی‌انصافی است که درآمد نفت را بگیریم و به وزارت دارایی چیزی ندهیم و در این راه نیز باید فکری کرد که قسمتی از درآمد نفت به وزارت دارایی اختصاص یابد» (روزنامه اطلاعات، سال ۲۹، شماره ۸۴۷۴، ص ۵). علاوه بر

این، باز هم به گواهی جراید پس از کودتای ۲۸ مرداد، تلاش برای استفاده از عایدات نفت به منظور اجرای پروژه‌های عمرانی قبل از ریاست ابتهاج آغاز شده بود (روزنامه اطلاعات، سال ۲۹، شماره ۸۴۵۳، صفحه آخر). حتی به گفته «احمدحسین عدل» سرپرست سازمان برنامه، در مرداد ۱۳۳۳ قرار بود سازمان برنامه به منظور أخذ اعتباری که برای انجام پروژه‌های خود لازم دارد، لایحه‌ای به مجلس شورای ملی تقدیم کند (روزنامه اطلاعات، سال ۲۹، شماره ۸۴۵۱، صفحه آخر). همچنین در این زمان درباره انتظار سازمان برنامه در تأمین هزینه‌ها از عواید دیگری همچون قرضه از بانک صادرات و واردات آمریکا سخن گفته شده بود. بعدها در سال ۱۳۳۷ یکی از دلایل سازمان برنامه برای قرضه از منابع خارجی کاهش سهم سازمان برنامه از درآمد نفت بیان شده بود (ساکما، سند شناسه ۲۶۰/۲۶۴۷۹: ۲). همچنین در تبصره ۳ ماده ۱۰ قانون برنامه هفت‌ساله عمرانی دوم آمده بود: «برای اینکه در اثر تخصیص قسمتی از عواید نفت به تأمین هزینه حفظ و اداره تأسیسات غیرانتفاعی عملیات سازمان برنامه تقلیل نیابد دولت مجاز است کسری احتیاجات سازمان برنامه را در سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ تا میزان ۲۴۰ میلیون دلار از راه تحصیل اعتبارات از مؤسسات داخلی یا خارجی تأمین نماید» (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هجدهم قانونگذاری، ۱۳۳۹: ۲۳۵/۱). علاوه بر این، وارن رئیس اداره اصل چهار، از اختصاص بودجه‌ای برای اجرای پروژه‌های سازمان برنامه خبر داده بود (روزنامه اطلاعات، سال ۲۹، شماره ۸۴۵۳، صفحه آخر).

گفتنی است پس از رفتن ابتهاج به بانک بین‌المللی، به گزارش روزنامه‌های سال ۱۳۳۱ ش. رد پای او در دو پرونده تخلف در دوران مدیریتش بر بانک ملی ایران دیده شده است. در یک مورد در پرونده‌ای موسوم به پرونده قند و شکر، روزنامه اطلاعات از جرم سیاسی و بانکی ابتهاج سخن گفته که در عملیات مزبور وی به سود دولت انگلیس اقدام کرده بود (روزنامه اطلاعات، سال ۲۷، شماره ۷۸۷۶، ص ۵). البته ابتهاج در خاطرات خود چیزی در این باره ننوشته است. در پرونده دیگری موسوم به پرونده مالی بانک ایران و انگلیس، استدلال ابتهاج که گفته بود روح قرارداد حاکی از عدم مطالبه تفاوت نرخ لیره‌های تضمین شده به طلا از بانک انگلیس است و عدم احتساب تفاوت، در حدود پنج میلیون لیره که ۲/۲۴۳/۲۴۳ لیره زیان به بانک ملی وارد کرده بود. ابتهاج در خاطرات خود به موافقت‌نامه‌ای که در این باره با وزارت دارایی انگلیس در سال ۱۳۲۶ ش. منعقد کرده و در سال ۱۳۲۷ ش. تمدید شده بود، اشاره کرده که طی آن همه موجودی‌های لیره و ارزهای وابسته به لیره‌ای که به ایران تعلق داشت، قابل تبدیل به طلا شده بود و در مقابل تنزل لیره نیز تضمین شده بود. دو سال بعد از انعقاد این موافقت‌نامه، ارزش لیره کاهش یافت و بانک ملی بیش از یازده میلیون لیره از دولت

انگلستان غرامت دریافت کرد. ابتهاج نوشته است که اصرار وی برای گرفتن تضمین، در نهایت موضوع را از وزارت دارایی به بانک ملی انگلیس کشاند و اصرار وی موجب شده بود تا انگلیسی‌ها با دادن تضمین موافقت کنند. ابتهاج یادآور شده است که درباره اعلام جرم علیه خود، با مصدق و جراید نامه‌نگاری‌هایی انجام داده و در نهایت وقتی مصدق از چنین تصویب‌نامه‌ای مطلع شده بود، متوجه بی‌گناهی ابتهاج شد و معاون نخست‌وزیر را مورد مؤاخذه قرار داد (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۲۸۶-۲۸۷). البته آنچه که ابتهاج می‌گوید با آنچه در جراید درج شده است، همخوانی چندانی ندارد؛ چنان‌که وی گفته است: «کمتر کسی تنزل لیره را پیش‌بینی می‌کرد. من خودم هم فکر نمی‌کردم روزی لیره تنزل پیدا کند. انگلیسی‌ها نیز با دادن تضمین شدیداً مخالفت می‌کردند» (همان، ۲۸۵). احتمالاً در این دو پرونده ابتهاج مجرم شناخته شده بود که در این زمان در کشور نبود.

### ج. دخالت عوامل سیاسی در امر برنامه‌ریزی

با وجود آنکه از نخستین روزهای تهیه برنامه اول، مشاوران ماوراء بحار نیز به عدم دخالت سیاست در برنامه‌ریزی توصیه کرده بودند، اما متأسفانه از همان روز اول دولت‌ها به حدود اختیارات سازمان برنامه تجاوز کردند. اصولاً ریاست افتخاری عبدالرضا پهلوی بر سازمان برنامه را می‌توان نخستین دخالت سیاست در برنامه‌ریزی تعبیر کرد؛ زیرا برخی حضور برادر شاه در رأس سازمان برنامه را فرصتی برای دربار و انگلیسی‌ها در تطبیق برنامه‌های تصویب شده با مصالح خود ارزیابی کرده بودند (بهنود، ۱۳۷۴: ۲۲۸). همچنین فقدان اساسنامه برای سازمان متولی امر برنامه‌ریزی طی برنامه اول، از دیگر تأثیرات مهم عوامل سیاسی بر ساختار برنامه‌ریزی طی این دوران بود. شیوه کار و حدود وظایف سازمان برنامه، به موجب ماده ۹ گزارش کمیسیون برنامه، مصوب شهریور ۱۳۲۹ش. که باید با موافقت هیئت دولت تنظیم می‌شد و به تصویب کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی می‌رسید (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پانزدهم قانونگذاری، ۱۳۲۹: ۳۲)، متأثر از تغییر دولت‌ها و تحولات سیاسی، چهار سال پس از تصویب گزارش فوق، در ۲۵ آذر ۱۳۳۱ش. به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

برخلاف قانون و براساس نظریات خصوصی، هر روز هیئت‌های عامل عوض می‌شدند و همین مسئله باعث شده بود که سازمان هیچ وقت موفق به انجام وظایف خود نشود (روزنامه اطلاعات، سال ۲۹، شماره ۸۴۷۰، ص ۵). این موضوعی بود که در شهریور ۱۳۳۲ش عبدالرضا پهلوی رئیس افتخاری سازمان برنامه، در دیدار با شاه که اعضای هیئت نظارت، شورای عالی،

مدیرعامل و معاونان سازمان برنامه نیز حضور داشتند، به آن اشاره کرده بود. عبدالرضا ضمن تقبیح دخالت غرض و سیاست در سازمانی که نباید غیر از جنبه سیاسی و فنی جنبه دیگری داشته باشد، آن را موجب از میان رفتن عوامل مؤثر در پیشرفت کار، یعنی ثبات و استقلال اداری و فنی دانسته بود. او به درستی تغییرات مکرر و پی‌درپی کارکنان و به‌خصوص اعضای ارکان سازمان برنامه را که از ابتدای کار روی داد، یکی از دلایل عدم موفقیت سازمان طی نخستین سال‌های برنامه اول دانست و آن را برخلاف رویه قانون سازمان ارزیابی کرده بود (روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۷۸، ص ۴).

ابتهاج نیز تغییرات پی‌درپی مدیرعامل را که به موجب قانون می‌بایست برای مدت سه سال در مقام خود باقی باشد (ساکما، سند شناسه ۲۹۷/۳۸۲۸۲: برگ ۴)، از دلایل عدم موفقیت برنامه اول دانسته است؛ چنان‌که تورنبرگ<sup>۱</sup> رئیس هیئت مستشاران فنی ماوراء بحار نیز برنامه هفت‌ساله ایران را کاری می‌دانست که توسط سیاسیون صورت گرفته است و از قلم افتادن مسائل اجتماعی در آن را مشهود می‌دانست (Thornburg, 1964: 24). طی سه سال نخست برنامه اول تقی نصر، حسن مشرف نفیسی، محمد سجادی، محمد نخعی، احمد زنگنه، جعفر شریف امامی، ابوالقاسم پناهی و احمدحسین عدل به ریاست سازمان انتخاب شدند (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۳۲۹)؛ درحالی‌که به موجب قانون طی این سه سال تنها یک نفر می‌بایست سمت مدیرعاملی سازمان را داشته باشد. مهم‌ترین تأثیر این عدم ثبات مدیریت در سازمان برنامه طی برنامه اول، ناپایداری ساختاری و تشکیلاتی در این سازمان بود که عبدالرضا پهلوی و ابتهاج هر دو به آن اشاره کرده بودند. در گزارش هیئت نظارت سازمان برنامه در اواخر مرداد ۱۳۲۹ش در این باره آمده است: «درباره تشکیلات فعلی سازمان برنامه می‌توان گفت بر حسب میل و اراده مدیرعامل وقت به وجود آمده و به حدی توسعه یافته که حتی ادارات مربوطه هم صورت جامعی از تشکیلات واقعی آن ندارند و حتی اساس قسمت‌ها و ادارات به طور مسلم معلوم نگردیده و در گزارش و پست‌های مختلف هر یک به نام دیگری نامیده می‌شود. به مرور زمان از وزارتخانه‌ها و بنگاه‌های دولتی افرادی را منتقل نموده و با حقوق بی‌تناسب به کارهایی گماشته‌اند که نه صلاحیت آن را داشته و نه استحقاق دریافت این مبلغ حقوق را دارند. این تبعیضات خود باعث دلسردی مأمورین دولت را در وزارتخانه‌ها فراهم نموده و حتی در خود دستگاه سازمان هم به واسطه تعقیب نمودن یک روش معینی ایجاد نارضایتی نموده است. در عین حال عده‌ای از مهندسين فعال و خوشنام را جزء لیست متفرقه یا منتظرین ارجاع شغل محسوب داشته که فقط حقوقی دریافت می‌دارند و استفاده از آنها نمی‌شود. در

---

1. Max Weston Thornburg



صورتی که افرادی که معلومات آنها قابل مقایسه با این اشخاص نیست از سایر دستگاه‌ها منتقل شده و قسمتی بر عهده آنها محول گردیده است» (روزنامه اطلاعات، سال ۲۵، شماره ۷۴۲۱، ص ۵). شایان توجه است که رشد تشکیلاتی نامتناسب فوق، طی دوران کوتاه مدیرعاملی سید محمدخان سجادی تهرانی اتفاق افتاده بود که اندکی بعد در آذر همان سال و طی دروان مدیرعاملی دکتر نخعی دوباره تغییر کرد و تعداد کارکنان سازمان از ۱۰۳۵ نفر به ۶۵۰ نفر کاهش یافت (همان، همان‌جا).

عبدالرضا اظهار تأسف کرده بود که اصول اساسی سازمان، پایمال غرض‌ورزی، هوی و هوس یا بی‌تدبیری شده بود. وی همچنین عدم هماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی کشور اعم از مالی، بانکی، تجاری و ارزی با سازمان برنامه را مشکل دیگری دانست که موجب رکود فعالیت‌های سازمان برنامه شده بود. مهم‌ترین و اساسی‌ترین ضعفی که عدم موفقیت سازمان برنامه در سال‌های نخست را موجب شده و عبدالرضا نیز در سخنان خود به آن اشاره کرده، این بود که در ابتدا طرح‌ها، نقشه‌ها، تحقیقات و مطالعات همه جنبه کلی داشت و نقشه تفصیلی دقیقی که شامل جزئیات مراحل اجرایی باشد، در دست نبود (روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۷۸، ص ۴).

علاوه بر این، به موجب خبری که در دی ۱۳۳۲ ه.ش. منتشر شده بود، سود مؤسسات تابعه سازمان برنامه سیصد میلیون ریال برآورد شده بود (روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۲۸۸، ص ۱). بنا به گفته مجیدی، هزینه اقدامات محدود سازمان برنامه طی این دوران، از محل بهره‌برداری از کارخانه‌های قند، نساجی، ابریشم، سیمان و امثال آن که در اختیار سازمان برنامه بود، تأمین می‌شد (رؤسای سازمان برنامه و بودجه از آغاز تا تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

نخستین برنامه هفت‌ساله متأثر از تحولات اواخر دهه ۳۰ کشور دچار آشفتگی و بی‌نظمی شده بود. مشاوران ماوراء بحار از سال ۱۳۲۹ ش همکاری خود با سازمان را قطع کرده بودند. البته این قطع همکاری در پی لغو قرارداد کنسرسیوم از سوی دولت ایران بود که به زعم تورنبرگ، «گریدی» سفیر جدید آمریکا زمینه لغو قرارداد را فراهم کرده بود؛ زیرا با امضای قرارداد اصل چهار در مهر ۱۳۲۹ ش / اکتبر ۱۹۵۰ م، دیگر به حضور مشاوران فنی نیاز فوری نبود (گود، ۱۳۷۲: ۱۷۵). کمک‌های برنامه اصل چهار تا حدودی از فروپاشی کامل نظام برنامه‌ریزی در ایران جلوگیری کرد. بدین ترتیب، ابتهاج در ابتدا یک برنامه موقت را تنظیم کرد که هم برنامه عمرانی اول را سامان می‌داد و هم مقدمات تدوین برنامه دوم را فراهم می‌کرد (بوستاک و جونز، ۱۳۹۵: ۱۸۰). کمیسیون مشترک برنامه در ۲۸ اسفند ۱۳۳۳ اجازه

مصرف اعتبارات مورد نظر در فصول شش‌گانه برنامه هفت‌ساله را با رعایت اصلاحات مصوب ۲۳ بهمن ۱۳۳۳ ش به تفصیل مصوب کرده بود (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هجدهم قانونگذاری، ۱۳۳۹: ۱/۱۱۳۸). بدین ترتیب، می‌توان گفت قانون مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۳۳ هـ در واقع بازنگری در برنامه اول بود که برخلاف قانون برنامه اول و با توجه به تجربیاتی که متولیان امر به دست آورده بودند، به صورت مفصل تنظیم شده بود.

### نتیجه‌گیری

استقرار نظام برنامه‌ریزی در ایران با تصویب و اجرای برنامه هفت‌ساله اول صورت عمل به خود گرفت. نخستین برنامه تهیه شده صرفاً صورت طرح‌های عمرانی بود که سازمان برنامه مجری آنها بود و در ابتدا عملاً برنامه‌ریزی به مفهوم واقعی خود در کشور نهادینه نشد. با وجود اجرای بسیاری از طرح‌های پیش‌بینی شده برنامه هفت‌ساله اول، بحران‌های سیاسی و اقتصادی پیامد ملی شدن صنعت نفت، رکود برنامه هفت‌ساله اول را در پی داشت. با وجود این، به شکست آن منجر نشد؛ زیرا به گواهی منابع، طرح‌های پیش‌بینی شده برنامه اول کم‌وبیش انجام می‌شد. بررسی منابع درآمدی برنامه اول نیز نشان می‌دهد که هرچند نظام برنامه‌ریزی به منظور هدایت درآمدهای نفتی در برنامه‌های عمرانی مورد استفاده قرار گرفته بود، اما این عایدات، تمام یا بخش بزرگی از اعتبارات برنامه عمرانی اول را تشکیل نمی‌داد. بر همین اساس، تأمین اعتبارات از سایر منابع پیش‌بینی شده می‌توانست مانع رکود یا به تعبیر برخی مانع از شکست برنامه اول شود. شواهد حاکی از آن است که طی این دوران ابتهاج با وجود آنکه سال‌ها در استقرار نظام برنامه‌ریزی در ایران کوشش کرد، طی سال‌های حکومت مصدق با وجود آنکه از مدیران بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه بود، هیچ تلاش یا کمکی برای تأمین اعتبارات برنامه اول از منابع این بانک نکرد. این در حالی بود که چندی قبل اولین پیشنهاد دریافت وام برای اجرای برنامه اول از بانک بین‌المللی را او مطرح کرده بود. به نظر رخت و سستی ابتهاج طی این دوران را باید در نگرش سیاسی وی و همراهی‌اش با کودتاچیان جست‌وجو کرد. همچنین با وجود هشدار مشاوران خارجی و آگاهی مبتکران و مسئولان برنامه‌ریزی، برنامه هفت‌ساله اول دستخوش دخالت سیاست‌مداران شد و متأثر از عوامل و مؤلفه‌های سیاسی، علاوه بر ناپایداری تشکیلاتی و ساختاری، از اهداف اقتصادی و اجتماعی نیز دور شد.

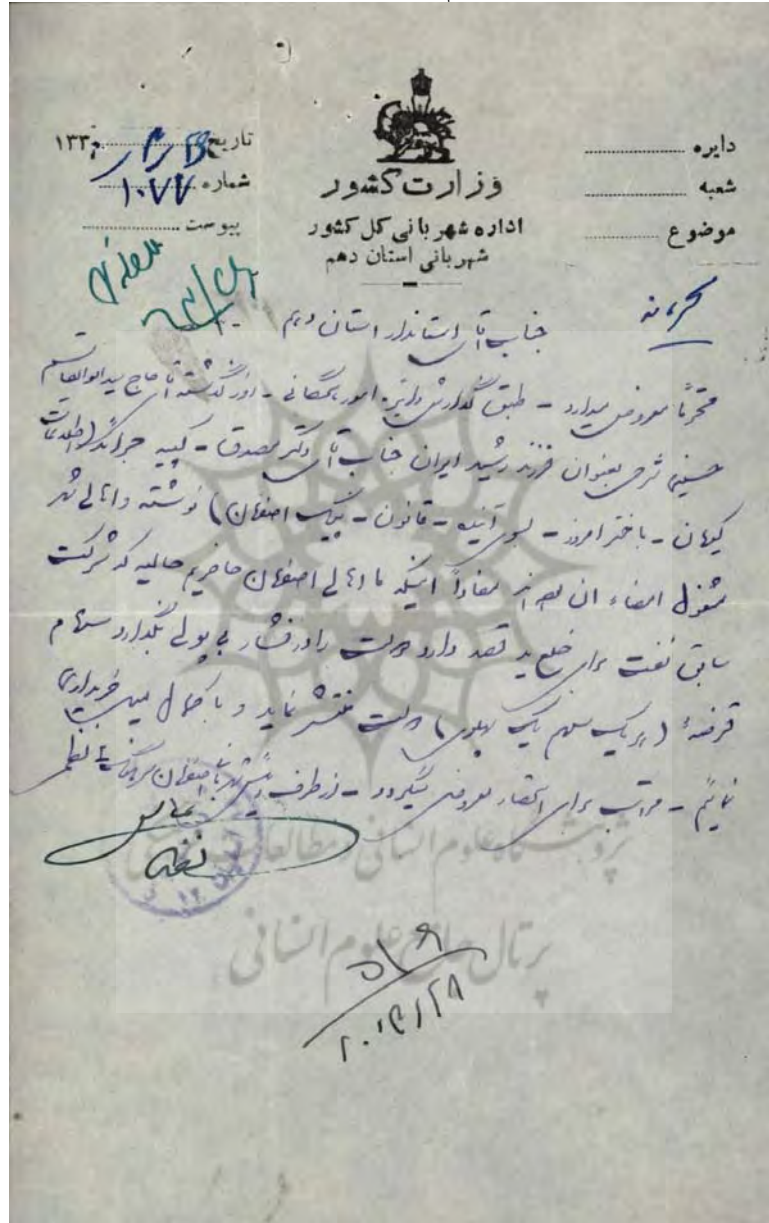
فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۶، تابستان ۹۹ / ۱۶۱

سند شماره ۱: سند شناسه ۲۴۰/۸۲۶، برگ ۱، نمونه اوراق قرضه ملی منتشر شده توسط دولت مصدق




پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۲: سند شناسه ۹۷/۲۹۳/۱۲۳۲، برگ ۲، پیشنهاد اهالی اصفهان در خصوص خرید سهام قرضه نفت از دولت



فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۶، تابستان ۹۹ / ۱۶۳

سند شماره ۳. سند شناسه ۲۲۰/۳۹۲۰ برگ ۱۴۳، دستورالعمل‌های سازمان برنامه در استفاده از اختیارات قانونی اعطایی به نخست‌وزیر

  
**سازمان برنامه**

کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی

تاریخ \_\_\_\_\_  
شماره \_\_\_\_\_  
پیوست \_\_\_\_\_

بنا بر اینکه خاطرات محترم ان کمیسیون مستقر است دولت سابق با استفاده از اختیارات مصوب ۳۰ مرداد ماه ۱۳۳۱ و با تکام ماده ۲ قانون برنامه هفت ساله و لایحه قانونی برای اجرای برنامه های عمرانی مصوب و بنامره ۱۱۰۸۲ - ۳۷۷۷۲ و شماره ۱۲۸۷۴ - ۳۷۸۲۸ جهت اجرا با اولاد برنامه ابلان نمود .

خلاصه برنامه های عمرانی بدو ر لایحه شماره ۱۱۰۸۲ - ۳۷۷۷۲ شرح زیر است .

۱	برای تاسیس ۵ کارخانه نسج و شکر	مبلغ ۱۷ میلیون دلار و ۶۴ میلیون ریال
۲	برای ساختمان ده سد و نیروکشی و ایستگاه نیرو	" " ۵/۲۴ " ۱۰۰۰ "
۳	برای خرید ماشین آلات کشاورزی و قطاری و سایر وسایل	" " ۱۲/۷۵ " ۵۰ "
۴	برای تاسیس ۳ کارخانه نسج و تاسیسات ۱۰ کارخانه جای گندک کتی و سایر تاسیسات مربوط به بهره برداری مغان	" " ۲۴ " ۲۵۰ "
جمع		۴۷/۹۹ ۲۰۴۵

بعدها در لایحه شماره ۱۲۸۷۴ - ۳۷۸۲۸ که به منظور رفع نیازمندی کشور از وصولات قند و جای و قمار من تصویب گردیده اعتبارات مربوطه به قند و جای و قمار من به مبلغ ۱۲۹۰ میلیون ریال

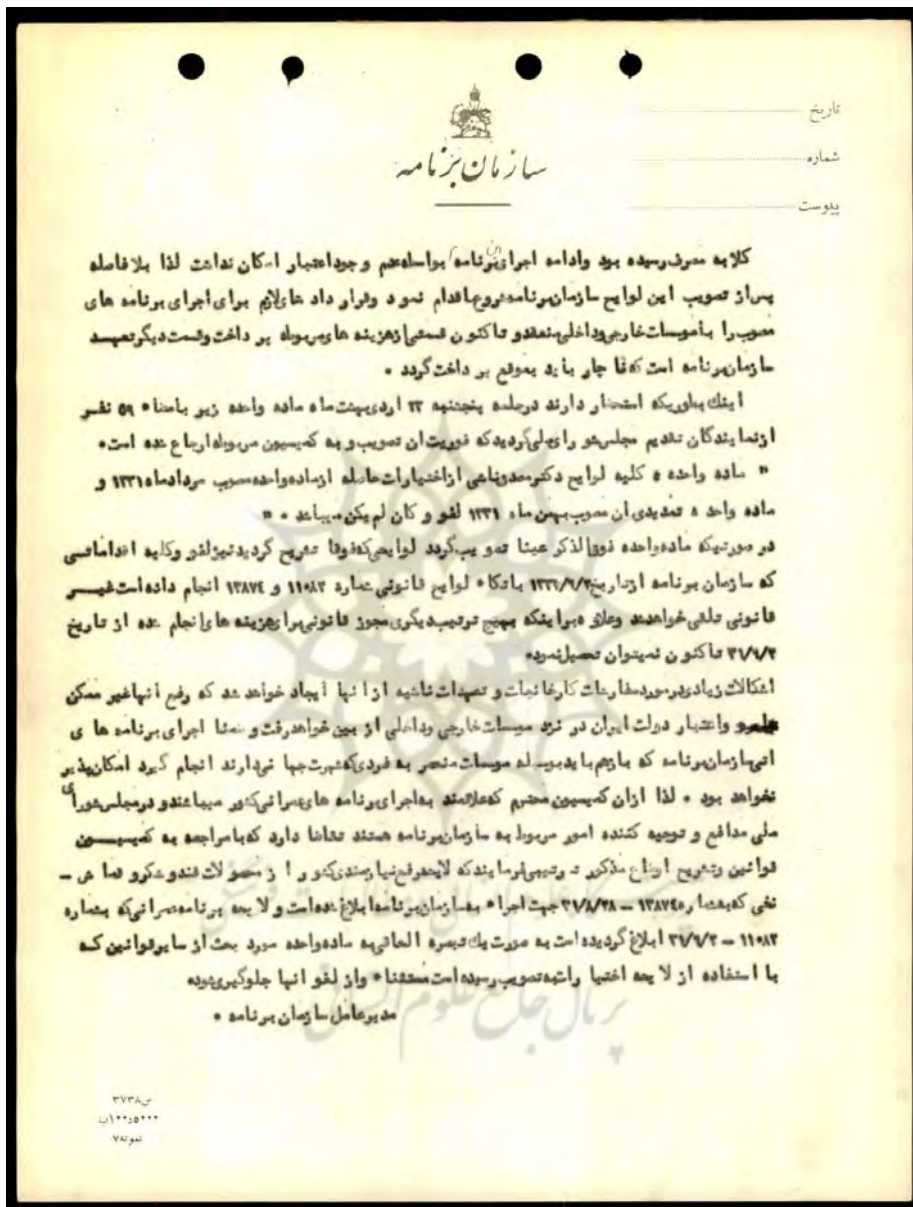
۱	برنامه جای	۵۴	۲۷۸	۳۷	۳۳۷
۲	برنامه قند	"	۳۵	"	۱۲۹۰
۳	قمار	"	۱۷۸	"	۴۴۰

" یک نسخه از برنامه های عمرانی فوق الذکر به پیوست میباید .

از طرفی چون در برنامه هفت ساله اعتبارات بهیچوجه برای تاسیس کارخانجات قند و جای و قمار من فوق الاماده کم و قبل از تصویب برنامه های عمرانی فوق الذکر اعتبارات متعلقه در برنامه هفت ساله

۲۲

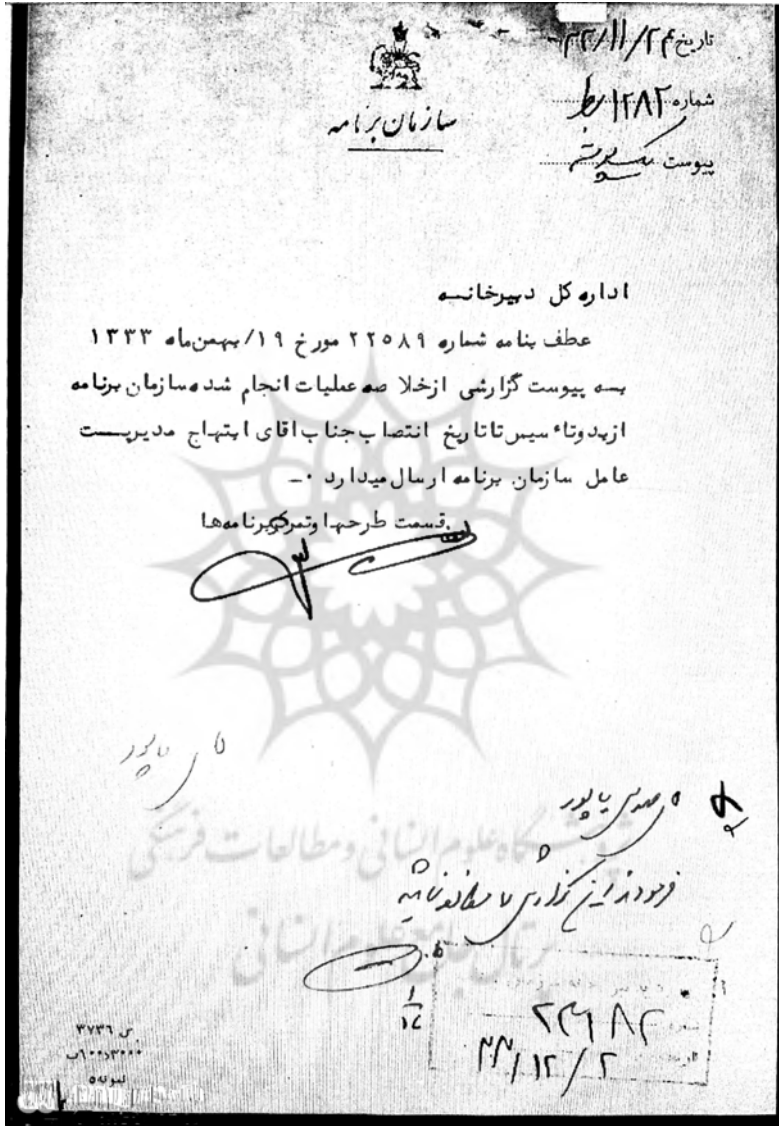
۳۲۳۸  
۱۰۰۰۵۰۰۰  
۷۹۹




فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۶، تابستان ۹۹ / ۱۶۵

سند شماره ۴: سند شناسه ۲۲۰/۱۱۳۹۰، برگ ۱، گزارش فعالیت های سازمان برنامه و

بودجه



سند شماره ۵: سند شناسه ۲۹۷/۳۸۲۸۲ برگ ۸ اساسنامه سازمان برنامه

تاریخ	شماره	پیوست
 <b>سازمان برنامه</b> -۴-		
ماده ۲۱	<p>پارسیهای قانونی شرکتها و بنکها و واحدهای کسب و کار سرمایه آنها را سازمان برنامه و بودجه دولت در بدو سازمان برنامه میباید مکلفند طبق آئین نامه که از طرف سازمان برنامه به تدوین و با نظریه بر مایل وزارت معیت نظارت به تصویب شورای عالی رسیده باشد و نظارتها بعد در صورتیکه به معیت نظارت معلوم شود بوظایف کمی برای آنها تعیین شده اقدام نکند و پارنقاری برخلاف وظایف از طرف آنها یا مدیران شرکتها یا بنکها یا واحدهای منورانی شده باشد معیت نظارت مجمع عمومی (پس) شورای عالی و مدیران سازمان برنامه را برای افعال تصمیم دعوت خواهد کرد</p>	
ماده ۲۲	<p>معیت نظارت برای انجام وظایف خود آئین نامه داخلی تنظیم و تصویب خواهد نمود</p>	
<b>فصل سوم - مدیران</b>		
ماده ۲۳	<p>مدیران سازمان برنامه بر حسب پیشنهاد دولت به موجب فرمان هماهنگی برای مدت سه سال منصوب میشوند</p>	
ماده ۲۴	<p>مدیران برادارات و موسسات تابعه و دتفرعی سازمانهاست داشته و در مقابل معیت دولت و وزارتخانه ها از طرف سازمانها بندگان دارد و بطور کلی مسئول حسن اجرای وظایفی است که بر عهده سازمان برنامه قرار دارد</p>	
ماده ۲۵	<p>وظایف مدیران عبارتست از:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱) تعیین تشکیلات اداری سازمان و مشهور آن با تصویب شورای عالی</li> <li>۲) استخدام و عزل و نصب و ترفیع و تنزل رتبه کارمندان برنامه طبق آئین نامه استخدامی که تصویب شورای عالی سازمان رسیده باشد</li> <li>۳) عزل و نصب معاونین مدیران و روسای قسمتهای سازمان برنامه با پیشنهاد مدیران و تصویب شورای عالی صورت خواهد گرفت</li> <li>۴) اعضای اسناد و اوراق بهادار و نامه های صادره از طرف سازمان</li> <li>۵) اعضای قراردادها بنام سازمان برنامه بر طبق آئین نامه معاملات سازمان برنامه</li> <li>۶) تدوین برنامه های مالی و تهیه نقشه ها و ارجحها و تنظیم بودجه های عمرانی و اداری برای پیشنهاد</li> <li>۷) پیشنهاد شورای عالی برنامه</li> <li>۸) تنظیم گزارشها ماهانه و عملیاتی اجرایی</li> </ol>	



سند شماره ۶: سند شناسه ۲۴۰/۲۶۴۷۹ برگ ۲ نامه سازمان برنامه برای تحصیل وام

۴۷/۱/۲۸ - ۹۴۲۸

جناب آقای نخست‌وزیر

تظلماتیک سهم سازمان برنامه از درآمد نفت در اواخر سال گذشته کاملاً منتهی گردید. این سهم در سال ۱۳۳۷ بموجب ماده ۲ قانون صوب ۲۱ اسفند ۱۳۳۶ (ماده ب) ماده واحده برادجه کل کشور (سال ۱۳۳۷) بدولت اجازه داده شد برای تأمین هزینه های سازمان برنامه و ام تحصیل نظایر و تصنیفنامه هیئت وزیران مورخ ۲۷/۳/۱۸ نیز در همین زمینه صادر شده است. اقداماتی از طرف سازمان برنامه در اجرای این تصنیفنامه بعمل آمده که شرح آن اینک باستحضار آنجناب میرسد.

چون دریافت وام ارضدوق وامهای صرافی (Development Loan Fund) و بانک بین المللی بستگی به پیشنهاد طرحهای صرافی مخصوص داشته که باقرات ایندوموست مطبق باشند از چندی قبل کمیسیون در سازمان برنامه انتخاب و مامور تهیه خدمات امسیر گردید. پس از انجام خدمات لازم در تهران گزارش کامل از طرحهای سازمان برنامه که در سال ۱۳۳۷ اجرا میشود تهیه و برای دو برسمه فوق ارسال گردید تا از میان آنها طرحهایی که کل مبلغ آنها معادل کمبود بودجه سازمان بگردید انتخاب نماید.

از اواسط خرداد ماه گذشته از طرف صندوق وامهای صرافی به سازمان برنامه اطلاع شد که متذالعه خدماتی طرحهای ارسالی سازمان پایاں یافته و اظهار تمایل نمودند که در مورد آنها کارهای اقتصادی و مالی سازمان برنامه برای دادن توضیحات و بیشتری به واشنگتن صورت دهد. در این مورد اینجانب برای مذاکره و پیگیری پس از مراجعت خدمت آنجناب میرسد.

در تاریخ ۱۶ خرداد ماه اجلاس هیئت وام مرکب از آقایان دکتر علامرضا خدیو - دکتر سیدوس - مهندس - که در همین کاتر در این مورد که طی این مراسم در تهران - مهندس سیدی و چلانگ و مستند است در مورد وام واشنگتن شد. در این اجلاس - ۲۵ خرداد - به آمریکا فرستادند. این نامه را در پیوسته های صرافی - مذاکرات کمیسیون وام بند و با حمایت صندوق وامها

سازمان برنامه و بودجه  
تاریخ: ۱۳۳۷/۳/۱۸

## منابع و مأخذ

### الف. کتاب‌ها و مقالات

- آرامش، احمد (۱۳۶۹)، *خاطرات سیاسی احمد آرامش*، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، اصفهان: انتشارات جی.
- آوری، پیتر (۱۳۹۲)، *تاریخ ایران به روایت کمبریج: از نادرشاه تا انقلاب اسلامی*، دفتر دوم، ترجمه مرتضی ناقب‌فر، تهران: جامی، ج ۳.
- ..... (۱۳۶۸)، *تاریخ معاصر ایران از کودتای ۲۸ مرداد تا اصلاحات ارضی*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، ج ۳، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱)، *خاطرات ابوالحسن ابتهاج*، به کوشش علیرضا عروضی، تهران: انتشارات علمی.
- اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره (۱۳۹۰)، *در دهلیزهای قدرت؛ زندگینامه سیاسی حسین علاء*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- افشاری، زهرا (۱۳۸۹)، *برنامه‌ریزی اقتصادی*، تهران: سمت.
- امیری، سید نورالدین (۱۳۹۴)، *نفت شهرهای ایرانی*، بوشهر: انتشارات دانشگاه خلیج فارس.
- انصاری، عبدالرضا (۱۳۹۳)، *ناگفته‌ها از روزگار پهلوی‌ها (خاطرات عبدالرضا انصاری)*، با مقدمه و ویرایش محمود طلوعی، تهران: نشر علم، ج ۲.
- بانک ملی ایران (بهمن و اسفند ۱۳۲۷)، «تاریخچه تنظیم برنامه هفت‌ساله عمران و آبادی ایران»، *مجله شماره ۹۱ بانک ملی ایران*، [بی‌جا]: اداره آمار و بررسی‌های اقتصادی و مالی بانک ملی ایران.
- بوستاک، فرانسیس و جفری جونز (۱۳۹۵)، *برنامه‌ریزی و قدرت در ایران: ابوالحسن ابتهاج و توسعه اقتصادی زیر سلطه شاه*، ترجمه مهدی پازوکی و علی حبیبی، تهران: انتشارات کویر.
- بهنود، مسعود (۱۳۷۴)، *از سید ضیاء تا بختیار؛ دولت‌های ایران از اسفند ۱۲۹۹ تا شهریور ۵۷*، [بی‌جا]: سازمان انتشارات جاویدان.
- پروژه تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد (۱۹۸۲)، به کوشش حبیب لاجوردی، ج ۴، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- پهلوی، محمدرضا [بی‌تا]، *مأموریت برای وطنم*، تهران: بنیاد پهلوی.
- ترابی، یوسف (۱۳۷۹)، *بررسی روابط اقتصادی، نظامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- خامه‌ای، انور (۱۳۷۲)، *خاطرات سیاسی پنجاه و سه نفر؛ فرصت بزرگ از دست رفته از انشعاب تا کودتا*، تهران: نشر گفتار.
- ..... (۱۳۶۹)، *اقتصاد بدون نفت*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۹۲)، *اقتصاد ایران زمین*، تهران: نشر نی.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۶، تابستان ۹۹ / ۱۶۹

- رواسانی، شاپور [بی تا]، دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه داری، [بی جا]: نشر شمع.
- رؤسای سازمان برنامه و بودجه از آغاز تا تشکیل سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۲)، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- روحانی، فؤاد (۱۳۵۲)، تاریخ ملی شدن صنعت نفت، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- زاهدی، علی (۱۳۴۲)، لزوم پروگرام صنعتی، تهران: [بی نا].
- شیخ زاده، حسن (۱۳۸۵)، نخبگان و توسعه سیاسی، تهران: انتشارات باز.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲)، بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: نشر البرز.
- فرمانفرمائیان، خداداد، عبدالمجید مجیدی و منوچهر گودرزی (۱۳۸۲)، توسعه در ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷ (خاطرات خداداد فرمانفرمائیان، عبدالمجید مجیدی و منوچهر گودرزی)، ویراستار غلامرضا افخمی، تهران: گام نو، چ ۲.
- گزارش آقای دکتر مشرف نفیسی راجع به برنامه هفت ساله مورخ ۱۰ آذر ۱۳۲۶ (۱۳۲۶)، [بی جا]: [بی نا].
- گزارش موريسن نودسن مقاطعه کاران عمومی (۱۹۴۷)، شرکت موريسن نودسن، [بی جا]: [بی نا].
- گود، جیمز اف (۱۳۷۲)، آمریکا در بی خبری (۱۳۲۵-۱۳۳۰ش)، ترجمه دکتر احمد شهسا، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پانزدهم قانون گذاری (۱۳۲۹)، تهران: اداره مطبوعات و اطلاعات چاپخانه مجلس.
- مجموعه قوانین و مصوبات دوره شانزدهم قانون گذاری (۲۹ بهمن ماه ۱۳۲۸-۲۹ بهمن ماه ۱۳۳۰) (۱۳۳۳)، [بی جا]: اداره مطبوعات و اطلاعات چاپخانه مجلس.
- مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هجدهم قانون گذاری (۱۳۳۹)، ج ۱، [بی جا]: اداره مطبوعات و اطلاعات مجلس شورای ملی.
- مجیدی، عبدالمجید (۱۳۸۱)، خاطرات عبدالمجید مجیدی (وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه ۱۳۵۱-۱۳۵۶)، ویراستار حبیب لاجوردی، تهران: گام نو.
- مدنی، سید جلال الدین [بی تا]، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۳.
- مصدق، محمد [بی تا]، خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی، چ ۵.
- میلانی، عباس (۱۳۹۲)، نگاهی به شاه، تورنتو: نشر پرشین سیرکل.
- نیلی، مسعود، حسن درگاهی، محمد کردبچه و فرهاد نیلی (۱۳۸۹)، دولت و رشد اقتصادی در ایران، تهران: نشر نی.

۱۷۰ / خوانشی نو از علل تعلیق برنامه هفت ساله اول / علی شهوند و ...

- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۵)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چ ۵.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۵)، *در حاشیه سیاست خارجی از دوران نهضت ملی تا انقلاب (۱۳۲۷-۱۳۵۹)*، تهران: نشر آسیم، چ ۲.

- Thornburg, Max Weston (1964), *People and Policy in the Middle East*, NewYork: VAIL-BALLOS PRESS.

#### ب. اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شناسه ۲۴۰/۴۰۸۲۶، نمونه اوراق قرضه ملی منتشر شده توسط دولت مصدق.
- .....، سند شناسه ۲۹۶/۲۳۸۹۱، برگه قرضه ملی منتشره از سوی دولت شاهنشاهی در ایران.
- .....، سند شناسه ۹۷/۲۹۳/۱۲۳۲، پیشنهاد اهالی اصفهان درخصوص خرید سهام قرضه نفت از دولت.
- .....، سند شناسه ۲۲۰/۳۹۲۰، دستورالعمل‌های سازمان برنامه در استفاده از اختیارات قانونی اعطایی به نخست‌وزیر.
- .....، سند شناسه ۲۲۰/۱۱۳۹۰، گزارش فعالیت‌های سازمان برنامه و بودجه.
- .....، سند شناسه ۲۹۷/۳۸۲۸۲، اساسنامه سازمان برنامه.
- .....، سند شناسه ۲۴۰/۲۶۴۷۹، اعلام برنامه‌های عمرانی سازمان برنامه جهت دریافت وام از بانک‌های خارجی و جبران کسر بودجه.

#### ج. نشریات

- روزنامه اطلاعات (پنجشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۲۷)، سال بیست و دوم، شماره ۶۶۰۷.
- ..... (شنبه یازدهم اردیبهشت ۱۳۲۷)، سال بیست و دوم، شماره ۶۶۲۶.
- ..... (سه‌شنبه ۹ فروردین ۱۳۲۸)، سال بیست و سوم، شماره ۶۸۹۳.
- ..... (دوشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۲۹)، سال بیست و پنجم، شماره ۷۲۹۳.
- ..... (شنبه ۲۳ دی ۱۳۲۹)، سال بیست و پنجم، شماره ۷۴۲۱.
- ..... (یکشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۳۱)، سال بیست و هفتم، شماره ۷۸۷۶.
- ..... (یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۳۲)، سال بیست و هشتم، شماره ۸۱۷۸.
- ..... (یکشنبه ۲۷ دی ۱۳۳۲)، سال بیست و هشتم، شماره ۸۲۸۸.
- ..... (سه‌شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۳۲)، سال بیست و هشتم، شماره ۸۳۰۱.
- ..... (دوشنبه ۱۸ مردادماه ۱۳۳۳)، سال بیست و نهم، شماره ۸۴۵۱.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۰، شماره ۴۶، تابستان ۹۹ / ۱۷۱

- ..... (چهارشنبه ۲۰ مردادماه ۱۳۳۳)، سال بیست و نهم، شماره ۸۴۵۳.
- ..... (چهارشنبه دهم شهریور ۱۳۳۳)، سال بیست و نهم، شماره ۸۴۷۰.
- ..... (دوشنبه ۱۵ شهریورماه ۱۳۳۳)، سال بیست و نهم، شماره ۸۴۷۴.
- ..... (سه‌شنبه هفتم دی ۱۳۳۳)، سال بیست و نهم، شماره ۸۵۶۶.
- ..... (سه‌شنبه ۱۷ مهرماه ۱۳۳۵)، سال سی و یکم، شماره ۹۱۲۶.



### List of sources with English handwriting

#### A) Books and Articles

- Ārāmiš, Aḥmad (1369 Š.), *ḵāṭirāt-e Sīāsī-ye Aḥmad Ārāmiš*, Edited by Ġolāmḥossein Mīrzā Šālīḥ, Isfahan: Entišārāt-e jai. [In Persian]
- Afšārī, Zahrā (1389 Š.), *Barnānarīzi-ye Eqtiśādī*, Tehran: Samt. [In Persian]
- Amīrī, Sayyed Nūr al-Dīn (1394 Š.), *Naft Šahrhā-ye Īrānī*, Bushehr: Entišārāt-e Dāniśgāh-e ḵalīj-e Fārs. [In Persian]
- Anšārī, ‘Abdulreżā (1393), *Nāgoftahā-yī az Rūzigār-e Pahlavīhā (ḵāṭirāt-e ‘Abdulreżā Anšārī)*, Edited by Maḥmūd Ṭolū‘ī, Tehran: Našr-e ‘Elm. [In Persian]
- Bank-e Millī-ye Īrān (Bahman va Esfand 1327 Š.), “Tārīḵča-ye TANzīm-e Barnāma-ye Haft Sāla-ye ‘Omṛān va Ābādānī-e Īrān”, *Majāla-ye Šomāra-ye 98 Bank-e Millī-ye Īrān*, Edāra-ye Āmār va Barrasīhā-ye Eqtiśādī va Mālī-ye Bank-e Millī-ye Īrān. [In Persian]
- Behnūd, Mas‘ūd (1374 Š.), *Az Sayyed Žīā tā Baḵtīār; Dolathā-ye Īrān az Esfand-e 1299 tā Šahrīvar 57*, Sāzmān-e Entišārāt-e jāvidān. [In Persian]
- Ebtihāj, Abulḥasan (1371 Š.), *ḵāṭirāt-e Abulḥasan Ebtihāj*, Edited by ‘Alīreżā ‘Arūzī, Tehran: ‘Elmī. [In Persian]
- Eṭihādīya (Nīzām Māfī), Mansūra (1390 Š.), *Dar Dihlīzhā-ye Qodrat; Zindigīnāma-ye Sīāsī-ye Ḥossein ‘Alā*, Tehran: Našr-e Tārīḵ-e Īrān. [In Persian]
- Farmānfarmāīān, ḵodādād; Maḵṭūbī, ‘Abdulmaḵṭūb; Ġudarzī, Manūčīhr (1382 Š.), *Tosi‘a dar Īrān 1320-1357 (ḵāṭirāt-e ḵodādād Farmānfarmāīān, ‘Abdulmaḵṭūb Maḵṭūbī, Manūčīhr Ġudarzī)*, Edited by Ġīlāmreżā Afḵamī, Tehran: Gām-e No. [In Persian]
- Gozārīš-e Aqā-ye Doktor Mošaraf Naḵṭī Modīr ‘āmil-ye Sāzmān-e Branāma dar Bāraya ‘Amālīāt-e Sāzmān-e Barnāma dar Sāl-e 1328 (1328 Š.). [In Persian]
- Hūšang Mahdavi, ‘Abdulreżā (1385 Š.), *Dar Hāšīa-ye Sīāsāt-e ḵārijī az Dorān-e Nīzāt-e Millī tā Enqīlāb (1327-1359)*, Tehran: Našr-e Āsīm. [In Persian]
- ḵāmaī, Anvar (1372 Š.), *ḵāṭirāt-e Sīāsī-ye Panjāh va Sa Nafar; Forśāt-e Bozorg-e az Dast Rafta az Enšī‘āb tā Kūdītā*, Tehran: Našr-e Goftār. [In Persian]
- ḵāmaī, Anvar (1369 Š.), *Eqtiśād-e Didūn-e Naft*, Tehran: Širkat-e Saḥāmī-ye Entišār. [In Persian]
- Madanī, Sayyed jalāl al-Dīn (n. d.), *Tārīḵ-e Sīāsī-ye Mo‘āsīr-e Īrān*, Qom: Daftar-e Entišārāt-e Eslāmī. [In Persian]
- Maḵṭūbī, ‘Abdulmaḵṭūb (1381 Š.), *ḵāṭirāt-e ‘Abulmaḵṭūb Maḵṭūbī (Vazīr-e Mošāvir va Raīs-e Sāzmān-e Barnāma va Būdḡa (1351-1356)*, Edited by Habīb Lāḵīvardī, Tehran: Gām-e No. [In Persian]
- *Majmū‘a Qavānīn-e Możū‘a va Mošavabāt-e Doraya-ye Hijdahom-e Qānūngodārī (1339 Š.)*, Tehran: Edāra-ye Maṭbū‘āt va Eṭilā ‘āt-e Čāpkāna-ye Maḵlis-e Šorā-ye Millī. [In Persian]
- *Majmū‘a Qavānīn-e Możū‘a va Mošavabāt-e Doraya Pānzdahom-e Qānūngodārī (1329 Š.)*, Tehran: Edāra-ye Maṭbū‘āt va Eṭilā ‘āt-e Čāpkāna-ye Maḵlis. [In Persian]
- *Majmū‘a Qavānīn-e Mošavabāt-e Doraya Šānzdahom-e Qānūngodārī (29 Bahman Māh 1328-29 Bahman Māh 1330) (1333 Š.)*, Tehran: Edāra-ye Maṭbū‘āt va Eṭilā ‘āt-e Čāpkāna-ye Maḵlis. [In Persian]
- Mīlānī, ‘Abbās (1392 Š.), *Nigāhī ba Šāh*, Toronto: Persian Circle.
- Mošaddīq, Moḥammad (n. d.), *ḵāṭirāt va Ta‘alomāt-e Doktor Mošaddīq*, Edited by Īraḵ Afšār, Tehran: ‘Elmī. [In Persian]
- Nīlī, Msa‘ūd; Dargāhī, Ḥasan; Kordbača, Moḥammad; Nīlī, Farḥād (1389 Š.), *Dolat va*

- Rošd-e Eqtisādī dar Īrān*, Tehran: Našr-e Nai. [In Persian]
- Pahlavī, Moḥammad Reżā (n.d.), *Mamūrīat Barāy-e Vaṭanam*, Tehran: Bonyād-e Pahlavī. [In Persian]
  - Ravāsānī, Šapūr (n. d.), *Dolat va Ḥokūmat dar Īrān dar Dora-ye Tasaloṭ-e Estimār-e Sarmayadārī*, Našr-e Šam'. [In Persian]
  - Razāqī, Ebrāhīm (1392 Š.), *Eqtisād-e Īrānzamīn*, Tehran: Našr-e Nai.
  - Rohānī, Foād (1352 Š.), *Tārīḵ-e Millī Šodan-e Šan'at-e Naft*, Tehran: Širkat-e Sahāmī-ye Kitābhā-ye ĵībī. [In Persian]
  - *Roasā-ye Sāzmān-e Barnāna va Būdja az Āgāz tā Taškīl-e Sāzmān-e Modīrīyyat va Barnāmarīzi-ye Kišvar* (1382 Š.), Tehran: Sāzmān-e Modīrīyyat va Barnāmarīzi-ye Kišvar. [In Persian]
  - Šeīḵzāda, Ḥasan (1385 Š.), *Noḵbigān va Tosi'a-ye Sīāsī*, Tehran: Entišārāt-e Bāz. [In Persian]
  - Torābī, Yūsef (1379 Š.), *Barrasī-ye Ravābiṭ-e Eqtisādī, Niżāmī-e Īrān va Eyālāt-e Motaḥida-ye Āmrīkā*, Tehran: Moasisa-ye Čāp va Našr-e 'Orūj. [In Persian]
  - Zāhidī, 'Alī (1342 Š.), *Lozūm-e Program-e Šan'atī*, Tehran. [In Persian]

#### Books in English

- Avery, Peter (1965), *Modern Iran*, Praeger.
- Avery, Peter; et. al. (1991), *The Cambridge History of Iran*, Vol. 7, Cambridge: University of Cambridge Press.
- Bostock, Frances; Jones, Geoffrey (1989), *Planning and Power in Iran: Ebtehaj and Economic Development under the Shah*, Routledge.
- Fakhreddin Azimi (1989), *Iran: The Crisis of Democracy, From the Exile of Reza Shah to the Fall of Musaddiq*, I.B. Tauris.
- Goode, James F. (1997), *The United States and Iran: In the Shadow of Musaddiq*, New York: St. Martin's Press.
- *Iranian Oral History Project* (1982), Edited by Habib Lajevardi, Vol. 4.
- Katouzian, Homa (1981), *The Political Economy of Modern Iran: Despotism and Pseudo-Modernism, 1926–1979*, Palgrave Macmillan.
- *Report on a Program for the Development of Iran, Prepared by Int'l Engineering Company, Inc. for Morrison-Knudson Int'l, July 1947.*
- Thornburg, Max Weston (1964), *People and Policy in the Middle East*, New York: Vail-Ballos Press.

#### B) Documents

- SAKMA, Document ID 240/40826, Nimūna Barga-e Qarza-ye Millī Montašir Šoda Tavasota Dolata Mošaddiq.
- SAKMA, Document ID 296/23891 Barga-ye Qarza-ye Millī Montašir Šoda az Sū-ye Dolata Šāhanšāhī dar Īrān.
- SAKMA, Document ID 97/293/1232, Pīšnahād-e Ahālī-ye Esfahan dar košūš-e qarīd-e Sahām-e QarĜa-ye Naft az Dolat.
- SAKMA, Document ID, 220/3920, Dastū al-'Amalhā-ye Sāzmān-e Barnāma dar Estifāda az Ektīārāt-e Qānūnī-e E'tānī ba Naḵost Vazīr.
- SAKMA, Document ID, 220/11390, Gozāriš-e Fa 'ālīathā-ye Sāzmān-e Barnāma va Būdja.
- SAKMA, Document ID 297/38282, Asāsnāma-ye Sāzmān-e Barnāma va Būdja.
- SAKMA, Document ID 240/26479, E'lām-e Barnāmihā-ye 'Omrānī-ye Sāzmān-e Banāmā jahat-e Daryāft-e Vām az Bānkā-ye qarījī va jobrān-e Kasr-e Būdja.

#### C) Journals

- Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Panjšanba 19 Farvardīn 1327), 22, No, 6607.

- Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Šanba 11 Ordībihišt 1327), 22, No. 6626.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Sišanba 9 Farvardīn 1328), 23, No. 6893.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Došanba 16 Mordād 1329), 25, No. 7293.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Yikšanba 23 Diy 1329), 25, No. 7421.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Yikšanba 19 Mordād 1331), 27, No. 7876.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Yikšanba 15 Šahrivar 1332), 28, No. 8178.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Yikšanba 27 Diy 1332), 28, No. 8288.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Sišanba 13 Bahman 1332), 28, No. 8301.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Došanba 18 Mordād 1333), 29, No. 8451.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Čihāršanba 20 Mordād 1333), 29, No. 8453.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Čihāršanba 10 Šahrivar 1333), 29, No. 8470.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Došanba 15 Šahrivar) 29, No. 8474.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Sišanba 7 Diy 1333), 29, No. 8566.  
*Rūznāma-ye Eṭilā'āt*, (Sišanba 17 Mihr 1335), 31, No. 9126.





## New Reading of the Reasons Behind the Suspension of the First Seven-year plan<sup>1</sup>

Ali Shahvand<sup>2</sup>  
Habibalah Saeedinia<sup>3</sup>

Receive: 20/10/2019  
Accept: 09/07/2020

### Abstract

The preparation of the first seven-year development plan and its implementation by the adoption of the Law of "Permission to Implementation of the Rules of Procedure of the Program Commission Report" by the legislative assembly on February 26, 1927, was the beginning of the application of economic planning in Iran. During the first days of the first development plan, simultaneous with the nationalization of the oil industry, there were political and economic crises in the country. Since the primary purpose of the first seven-year plan was to direct oil revenues to the country's development plans, it had a direct impact on the first seven-year plan and was one of the most important causes of the recession in the first development plan. On the other hand, oil revenues accounted for only 37.14% of the cost resources of the first plan. Besides assessing the success of the oil-free economy plan of Mosaddegh's administration, the realization of other sources of cost of the first plan could prevent this plan from recession. So this question arises that in addition to the crisis of nationalization of the oil industry, what other factors have contributed to the recession of the first plan? The present study historically and with the analytical-explanatory approach reviews analyzes and evaluates the hypothesis of the disconnection of the main initiator of planning in Iran and the involvement of the political factors in the planning organization which caused the first program to the recession. The findings of the present study suggest that Abu-Alhassan Ebtehaj's collusion with the instigators of the coup, on Mordad 28th, the abandoning of his constructive role in the country's planning system during Mosaddegh's office-when the planning system was getting established in Iran-and the intervention of political factors in the planning job are among the overlooked reasons behind the failure of the first development plan.

**Keywords:** the first seven-year plan, nationalization of the oil industry, Ebtehaj, planning organization, Pahlavi's office.

---

1. DOI: 10.22051/HII.2020.28630.2135

2. PhD in History of Islamic Iran. History teacher, Beiza, Fars Education Department; [alishahvand@chmail.ir](mailto:alishahvand@chmail.ir)

3. Associate Professor, Department of History, Persian Gulf University,

Bushehr;(Corresponding author); [saeedinia@pgu.ac.ir](mailto:saeedinia@pgu.ac.ir)

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493